

بنی هوانی و دسته راه آهن و چند  
قهرمانی و بزرگترین بازیکنان  
شماره ۱۰۲۴

اختصاصی

طبقه زمین بساحت ۸۷ و ۱۶۱ مترمربع جزء پلاک ۴۹۶۳  
ایستادگی است  
نظم لایحه عمل نمود.  
لیات تعدیدی در روز ۲۱ و ۲۲ ساعت قبل از ظهر الی

تعیین میشود که در روز و ساعت مقرر در محل حضور  
۲۱ و ۲۲  
رئیس بخش شمال ثبت املاک تهران

۲۰ و ۲۱

حضور وراثت

ای قیسی اصاری برکالت از طرف آقای غلام و خاوری  
۱۳۲۰ پیوسته پرسش نامه و رونوشت مصدق شش نامه  
ج که استاد وحید (کل معنیان) فرزند مرحوم غلامرضا  
م علی سران و خادم های ایران - صفت - وقت و نام  
بصرش میباشد لذا مراب در مدت سه ماه ملحق بکمرته  
روزهای مرکز باصلاح میرساند چنانچه کسی نسبت  
تعمیم والا پس از انقضای موعده گواهی نامه صادر خواهد  
کرد کسی موجود و تا این تاریخ رسا ابراز و افتتاح شده  
که شش مدت مذکور هر وصیت نامه وصی و سری ابراز  
۳ - ۲

وس حسب پلاک دادگاه بخش تهران - اکبر دانا سرشت

تجدید حدود

بنا پلاک شماره ۲۴۹۸ و ۲۴۹۹ بخش دو اهواز واقع در  
شای ثبت کرده و بعدا به ما هم بن حیدر صدای انتقال  
یصل نامیده لذا طبق ماده ۱۵ قانون ثبت آگهی میشود  
م مبره ۱۳۲۱ چهار ساعت قبل از ظهر در محل بصل  
رئیس ثبت استان ششم - شاپوری

بی حراج

مصلب ۴۷۰۰  
واقع در قصبه فیروز کوه ملکی آقای اسدالله سیدی  
ال مبلغ ۲۵۰۰ ریال ثبت معامله و مبلغ ۵۰۰ ریال علاوه  
و اخذ و ۲۰۰ ریال هزینه حراج و ۲۸۳۰ ریال بقیه  
در روز هفتم ماه مهر سال ۱۳۲۱ ساعت قبل از ظهر در  
گلدازه میشود و حراج از مبلغ ۲۵۰۸۳۰ ریال شروع  
نکار بشماره خریدار است طلبین میتواند در روز و ساعت  
شرکت نمایند این آگهی ظرف ۲۰ روز در سه نوبت  
نهی نوبت دوم ۲۹ شهریور ماه ۱۳۲۱  
رئیس اجرای ثبت ملکی - فیروزان

ای مزایده

پلاک شماره ۱۷۲۴ بخش سه آبادان ملکی بانو گل خانم  
ریال طالب آقای رضا بنیم یوزایی باطله بیکسوار و دیال  
انقاده و پتله ریال خسارت دیر کرمو یکصد و ریال هزینه  
پتله دیال ۱۵ دیوانی که جمعا بالغ بر یکصد و دویست  
ریال هفت مهر ماه ۱۳۲۱ ساعت سه قبل از ظهر در قصبه  
نه حراج نسبت به یازاد ملک بستانکار بشماره خریدار است  
این شده حضور بهم رسانیده و در خرید شرکت نمایند  
میشود تاریخ انتشار آگهی نوبت دوم ۲۹ شهریور ماه  
رئیس ثبت آبادان و غرض مشرف - روح الله کپا

مستاز زیر برای رفع نیاز

کت نفت انگلیس و ایران

بنزین سوخت و لکه گیری

گاز شبه ترابانتین

ماشین - دنده و چرخ

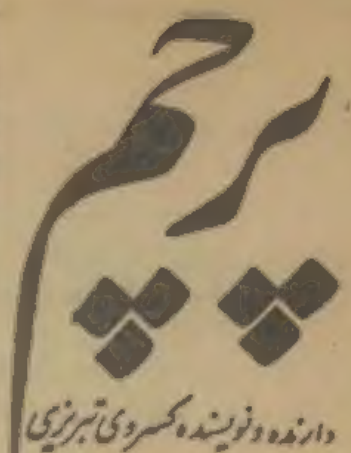
ای یاتاقان های معمولی و

و وازلین

اداره نامه آزاد

از خیابان پونز جمهوری یابول خیابان باب هادیون  
جنب میدان صبه منتقل گردیده است

چاپخانه تابان تهران



پهای اشتراک  
سالانه ۲۰۰ ریال شش ماهه ۱۰۰ ریال  
سه ماهه ۵۰ ریال  
پهای آگهی  
هر سطر: صفحه دوم ۹ ریال صفحه سوم ۴ ریال  
صفحه چهارم ۳ ریال

جای اداره  
خیابان لاله زار محرقه تهران پلاک ۲۰۴۶  
تک شماره ۵۰ دینار

در باره صوفیان و درویشان

چند روز پیش در پرچم گفتاری در باره صوفیگری بنامه آقای رحیمی چاپ کردیم و اینکه می  
خواهیم در آن زمینه یک حرفه گفتار های دیگری بردازیم - این نیز همچون شهر باید دنبال گردد -

اگر ایرانیان نوده ای بودند که نیک و بد خشناسه و سود و زیان غیبت ما دو باره صوفیان  
بهیچ گفتاری بجای نماند نمی کردیم - مگر درویشها و کل مولاها که تا پانزده سال پیش در ایران برادرانی  
بافت می شدند و با آن ربهت «پنجاب» و ربهت چاک آلود در جلو چشمهای خودی و بیگانه سودلوسی  
گردیده و فراموش شده اند - مگر آموزگاری که نتیجه اش این عینکهای خوم بوده نیلای بنگینگو  
دارد - راستی را باید گفت: این مردم چشم دلرند و نی نیستند - و گوش دلرند و نی شنوند - و مغز  
دلرند و نی فکند -

من می پرسم: آیا درویشان گدایی می کنند یا نه؟ - همه می دانیم که می کنند - با گدایی می  
کنند - با مار بازی - با خه بازی - بل می پرسیم: آیا گدایی بد است یا نه؟ - همه می دانیم که بد است و  
خرم و آذرم آدمی را از میان می برد - پس دیگر جای چه گفتگو است - چرا صالحان و شایستهان و مستحقان  
همه را و فطرتی و شایسته از میان در نیندازند -

چند روز پیش در میدان توبهخانه سوار انبوس می شدم دیدم یکمردی با پوشش نوینی و کپسول  
سنای دو لوز و بریلز سوار گردیده - دانستم درویش است - کل مولا است - پیر است - مرشد است - قطب  
است - ولیست - خلوت است - از دینش متاثر شده بیاد زمان پیش افتادم که این چرکین کار بهیسا از میان  
رفته بود -

انبوس راه الله و چون از جلو باغ ملی دو گذشت شاگرد شولر بنگرانی پول پرداخت و  
چون نوبت بدرویش رسید با یکمرد پیشی گفت: از من پول نیگیرند - شاگرد شولر با زبانی گفت:  
انبوس گداخانه نیست پول در آرد - این را گفت و ابستادگی نشان داد - درویش ناگوار شد و از کشکول  
شود دهنش خرد آرد و پول داد - ولی سپس درویش رو پیردم گردانیده گفت: این مرا نی شناسد -  
و گره در هیچ جا از من پول نیگیرند - این را گفت بی آنکه اندک شرمی کنند - سپس چون انبوس  
بپیدان شاپور رسید و درویش بیخواست بیخه خود شاگرد شولر جلوش را گرفته گفت: دهشای دیگر  
یاز درویش بروی او خیره شده با یک غشش چنین گفت: دست از سر من بردار - این کاری که تو کردی  
تا اکنون کسی نکرده - این را گفت و بی آنکه پولی دهم پایش را رفت و راه خود را پیش گرفت - بدست  
سالمی را رنج برده - ریاضت کشیده - اجبارا کبر کرده - سیر در ناس نموده - ذکر جلی خوانده - ذکر  
غنی خوانده - چله ها پس داده - مقامات پیورده - و آخرین نتیجه اش این شده که انبوس سوار خود و  
پول دهم و هیچ نیندیشد که برای چه -

من تا سالیان دواز این را باور نیکردم که گدایی جزو آداب صوفیگری بوده و با دستور  
مرشد است که درویشان این کار را میکنند - می گفتند: چنانکه از دیگر حرفه ها گدا را میبهرد از اینان  
مهر خاسته است - ولی در شکست پرده که چرا از اینان بیشتر از دیگران گدا را میبهرد - این بودیور  
من دو سالیان دواز - ولی سپس چون کنایای ایشان را خواندم دیدم برخی از بزرگشان همین کار را  
میکرده اند - و این را یکراهی از ریاضت و تهذیب نفس میباشند - و چون این را دانستم بدی آن  
گروه دراضیه ام هر چه بیشتر تودر شد - و برای اینکه گرامی بگفته های خود بیارم عبارت هادی  
پایین را از کتاب «اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی صمد» بلز می آورم - چون این کتاب با  
یک زبان ساده نوشته شده در این رشته گفتار بیشتر گواهیها از آن آورده خواهد شد -

از زبان شیخ ابوسعید داستان آفل کار او را نقل می کنم: « از جهت درویشان بی-ژال  
مشغول شدم که هیچ سخت تر از این تعبدیم بر نفس مر که ما را میدید پاینده دیناری میداد - چو  
مدتی بر آمد کمتر میشد تا بدانگی بلز آمد و فروتن می آمد تا یک مور و یک جوز بلز آمد - چنان شد  
که پیش از این نمی دادم تا چنان شد که این نیز نمی دادم - پس روزی جمعی بودند و هیچ چیز نگذاشته  
نمی شد ما دست را یکی بر سر داشتیم دو راه ایشان نهادیم و بعد از آن گفت برو ختم پس آستر بید خرج  
کردیم پس ابره پس پشه - بلز ما را روزی بدید سر بریده - و بای برته او را طاعت نماند و گفت ای پسر  
آخر این را چه گویند گفتیم این را تو میدان میبینی؟  
خوانندگان این داستان را نیک بینیدند - ابو صمد برای حکم درویشان بکار و دقتیور  
گدایی کرده و سپس چون از گدایی چیزی بدست نی آمده دستل خود را فروخته - کش خود را  
فروخته - آستر و ابره بیه اش را فروخته - و این را یک کاری بزرگ و بکی دانسته که بدینسان بلز  
می گوید و بخود میبالد -

این کتاب اسرار التوحید خواندنی است - شیخ ابوسعید از بزرگان صوفیان بوده و هشتاد سال  
عمر کرده که پنجاه سال با خاندان داری گمراهه که همیشه دستهای از درویشان کردن گفت در خانه  
لو بوده اند و او با درویش و انشاس و تهذیب از مردم پول بدست آورده شکسبای ایشان را سیر  
میباشند - بلکه گاهی کار بگدایی رسمی بکشیده - بگداستانی در آن کتاب است که ابو صمد بیکرمی می گوید  
باید بدرویشان طعمی بدی - میگویی ندادم - می گوید گدایی بکن و صوفیای فراهم آورد - شیخ بزرگ بیکرمی  
این روایت بسرمی بردم و هنوز می برورانه و چنان نوده می انداخته و با اینحال خود را نالی پیشبران  
بلکه بالانرا از ایشان می شنوده و ساعت همدردان صوفی دعوای خدای (یا پوتر گواوم یوسون بخدا) بیکره  
است - آن کتاب را بفروایت تا اسرار صوفیان را ببینید -

آگهی

بمنظور تامین بذل پاینده از طرف دولت بر رسیهانی بعمل آمده و تصمیمات  
زیر اتخاذ گردیده که برای اطلاع عمومی آگهی میشود:

- ۱ - کسری بلز غنمت های جنوب و خوزستان و گرمسیرات غرب از گندم همنوستان و  
جوی که قرار است از عراق خریداری خود بقدر امکان و - نسبت جنسی که میسرند تا این خواهد شد -
- ۲ - مالکین قرائی که کسر بلز دارند میتواند از دهانی که مالکین آنها نهد ملزاد خود  
را بپرداند و بلز مورد احتیاج را خریداری نمایند - خرید و فروش بلز از این املاک آزاد است -
- ۳ - نسبت به املاک خالصه که وزارت دارایی در سال ۱۳۲۰ فروخته و مقداری جنس باقی  
بلز نزد بزرگان است که باید در راس محصول امسال مسترد دانند هر مالکی که مایل باشد می تواند  
برای بکمال مهلت بپردازد و سند رسمی بپردازد که راس محصول ۱۳۲۲ عین جنس تحویل نماید -
- ۴ - هر گاه بلز ملکی بدرد کشت نفورده مالک میتواند بلز خود را فروخته و از سایر  
قراء از مالکینی که تنه ملزاد خود را بپرداند امطلق ملکه (۱) بپردارد و خریداری نماید -
- ۵ - برهیا و کشاورزانی که برای خرید بلز و هوانل زراعتی احتیاج به پول دارند بانک  
کشاورزی و پیشه و هنر تا میزان ۲۵۰۰ ریال در مقابل ضمانت مالک با شخص مستری وام بخواهند -
- ۶ - بطور کلی کسر بلز هر استان و یا شهرستان حتی الباقی از محصول خود محل باید  
تا این هود و در صورتیکه قبضه تنیه بلز در محل مقور نباشد و این موضوع از طرف استانداری -  
دارایی - کشاورزی گواهی شود کسر بلز آنها از سایر قراء مجبور تا این خواهد شد -  
وزارت دارایی - وزارت کشاورزی - اداره کل خوار بلز مسئول اجسرای این  
تحریرات هستند - شماره ۱۰۲۹ «نقش و نظری»

بنامه محمد کریم فرهنگ

دانستنیها و آموختنیها

( برای نوده )

یعنی واجب است خوانندگان بدانته و بدیگران  
باندند

ده و اوج کینه چند صد آبادی چند صد  
شهر رویش بنگارید ملک دست میشود ملک  
شلی بزرگتر از ده صد خاندان است اما حکومت  
ملی در یک ملک بزرگتر از آنچه در مثال ده  
شرح دادم نیست

خلاصه و پوست کینه منی حکومت ملی منی  
دولت فوق مقروطه و جمهوری و رف آن ها با  
استعداد هاست

حالا که دانستی حکومت استعداد و حکومت  
ملی چگونه دست میشود و رف آن آنها با هم چیست؟  
بگو بیستم کدام یک را بهتر میدانی -  
من بین دارم مردم با ملل و اصناف آرزومند  
حکومت ملی است زیرا بقیه من حکومت ملی  
حکومت ملل و اصناف است حکومت آزادگان است  
حکومت آزاد نشان است

ولی حکومت استبدادی حکومت هوی هوس  
و زور است حکومت بندگان است کیت بندگان  
را از آزادی بتر دانه کیت که بخواهد حکومت  
از روی ملل و اصناف باشد -  
کسانی حکومت استبدادی میخواهند که به  
بندگی و ستم کشی عادت کرده یا از ملل و اصناف  
بی نصیب باشند این جور مردم از زور شنیدن و ستم  
کشی کمتر فکین و متاثر میشوند و از زور گفتار  
ستم کردن به ضعیف تر از خود زیاده خوشحال  
می شوند خدا کند مردم ما چنین نباشند - خدا کند  
لیکن چه باید کرد خدا نکرده است بر من سخت  
و ناگوار است ولی خواهم نویسم مردم ما بستم کشی  
و شیکری عادت دارند چکن نمی توان حقیقت را  
پنهان کنم و نباید هم غیر از این بکنم دوست  
و از پنهان کردنش بپزیرد نتیجه ای بدست نیاید  
درد را باید شاعرت و درمان گردان در دوز گیت  
و خود بد زور گیت جلوی حکومت ملی -

این درد از کجا پیدا شده؟  
این درد از آنجا پیدا شده که سالهای پصال  
شما حکومت استبدادی داشتید - و هر چه شدید باید  
و خوانده اید در تعریف استبداد بوده کتابهای ما  
بر از این حرمانست خلق را بفرجه خدای رسانیده  
اند خدا را میگویند پرستش کنید خدا را هم میگویند  
پرستش کنید پرستش بکنی عادت عادت مخصوص  
خداست - خدا - شاه شاه شاه مشروطه و عدل و  
دوستدار ملت باشد باید فوشتن داشت -  
در میان شما نوده هم از این گونه فکر ها رواج  
داده اند -

همه بد گامیم و غمرو پرست یا  
چه ازمان بزدان چه فرمان شد

این فکر های چند هزار سال پیش هنوز در  
ملکت ما مانده او هم هزار فکر میکند همان جور  
رفتار میکند شبا وقتی از سالهای سال اینجوری  
کرده باشد در کثرت با اینجور حرمان بشود آن  
ها را بیکدیگر میگویی این حرمان اعتقادان می  
شود به باندگی عادت میکنند بزرور شنیدن عادت می  
کند و کسان میفرماید شما هم بپایه زور بگویند -  
بدست و با می اندیک که از راهی باشد روزی  
بپایه کینه به ضعیف تر از خودتان زور بگویند و  
این آتش هوس را فرو بپاشید برای پیمان کردن  
زور ناچار بستگی زور دار تر از خودی قبول می  
کند و اگر بتر زور هم گفت کینه باین خوشی که  
اگر زوری میشود روزی میگویی این است که  
زور گدن و زور شنیدن کردن و ستم کشیدن  
بلز چیز پیش یا افتاد و بالاخره عادت ملت میشود  
روز گویی که رواج گرفت فرمان بر داری کور  
کودان رواج بگیرد و ملل و فکر از کور میانه  
اصناف از میان میبرد  
کارها بدست یک پانده تر اداره میشود دیگران  
که حق ندارند دخالت کنند باغوب و بد بگویند  
فکر هم نیکند هر چه آنها فرمان دارند اینها فرمان  
بیرند ملت هم شد ملت را هم میباید کرد کرد  
است آنوقت باید و مایه فکر ملت این میشود  
« هر چه یادمان ما و ایکار پایکارها »

از آنچه خواندی گفتم لبیسمی که هفت قبا  
ملت باین صفت با پنهان بگویم گرفتاری شما باین  
درد متشکشی و متکبری بواسطه تلقین ها نیست  
که نویسنده گان و شعرا گفته ما برای اینکه  
رضای خاطر سلطان و عشقودی پادشاهان مستبد  
بدست آورند قدرت را بکار بکنند و بزرگتری  
و کتب نویسی و گنگو در کله شا فرو کرده و  
خواستار اندوه و شدادند خود ( بقول خودشان )  
غنمتی کنند شما را بندگان و ربهت و او را  
فرمانروای مضائق خوانند اند وقتی خیلی با بالا  
گذاخت اند و خواست اند برای شاهان سودی کنند  
شما را گوشه و خاها چوپان ساخته اند -  
بپایه ملل که مجبور فکرها بر مشرق زندگی  
اوست یا این تلقین میزدی که دارای چشم گور  
و هوشند باید چشم و گوش را بینند و هوش را  
بکشند گوشه و دوسر بزر بر سر که چوپان

دستی از دور بر آتش میدارید

آقای کسری

در ۲ شنبه ۹ شهریور ماه ۱۳۲۱ آقای حسین  
برهانی کارمند گمرک بنامه حضور مقاله ایات  
فرموده بودند که اشعار را باید از بین برد  
من میگویم باید ملاحظ شوند زیرا بطوریکه  
همه میدانیم یک نفس کامل جمیت ایران هشابر  
است و این هشابر یک عضو مهمی از عینک این  
ملکت میباشد و عضو مریش را نباید میانرت به  
قطع لدون کرد و اگر بریده شود عینک نقش  
خواهد ماند

بقیده بنده اول باید در تصحیح عمل مامورین  
جدیت شود که مایه فساد در ملک میباشد  
آقای برهانی بطوری که فرمودند مدت چند سال  
خوانین ایلات را دوشهر نگهداری نودند و مردم  
ایشان را بخلات مشغول داشتند و مردم را آسوده  
نودند پس چه شد که خوانین بی غرضی این اشعار  
در اندک زمانی که بشیر خود پیوستند نتوانند  
مردم را دوشور جمع آوری نمایند و ریاست کنند  
و عمل مامورین مقتضای نیست با اینکه اهالی  
قاصه و سپهر خوانین را میدانند که هر خوردن  
مال و عایا و نسجم بزرگستان و وادار نودنشان  
باعمال از آبیای خطرناک رو بهوش دیگری ندارند  
ایود مگر از رفتن زشت و طمع مامورین که جز  
غلزنگری و تولد اشغال کار دیگری نداشتند  
نلامر کند بیکسر خدای ناکرده مشغول نظام وظیفه  
میشد تا روح داشت او را دود خدمت نیندودند  
اگر گاهی فرار اشتیاق میشوند یک طایفه از مردم و  
زن گرفتار بودند و پاره نوده های درونی تمام  
هستی آن طایفه در مرض تلف و دستفروشی مامورین  
بود در هیچ جای دنیا و هیچ کتاب قانونی نوشته  
ندیدم که هر گاه بیکسر را اداره برای امری جلب  
ناید و در خانه نباشد پسر و مادر برادر خواهر زن  
فرزند اقوام دور و نزدیک غیر خواه و بدخواه او  
را حاضر و تولد مایه کینه در قانون حفظی  
مامورین - اگر بخواهم از مشغول مایه که از مامورین  
شده توضیح دهم موجب خستگی قرائین و تمام  
اشقی است -

هینقدر میگویم مامورین دام و رشک و  
آله کوب که برای ملحق مردم کارهه میشدند  
و در هر سال ملتی حقوق از دولت دریغ میباشند  
هم هنگام ماموریت باوع حکام العبل اخذی  
اشغال تراش میخوان کشی و مردم آزادی میشوند  
با اینرده مسمات بی جا آیا کده های ملل جمع  
کنند مائلهای غیر مدطم غلش مامورین و یارمرد  
بپایه مالیت بده میباشند خدمت آقای مامورین جلوس  
نایند و اشعار که در کتب مجلس آتایان بشوند مثل  
مسلیک سلاک از سجد برانه وانه میشود و ذرات  
اگر کسی را بدینش بگوید شکایتی اندیک کلیه  
مامورین شهری صحرایی متقا بر او حمله نوده  
بکی بزدش میکند بکی جایش میکند بکی متانی  
عفت برش می بندد بکی محسرتش قرار میدهند بکی  
مشولش میکند بکی حیوانش را در میش می خاشد  
هر اداره طبق وظیفه که دارد بشکلی بدست گز  
آویز شده ناچار است اقراری شمیری مامورین نوده  
و گاه خود را تصدیق کرده با امضاء خوانا و  
نام حروف قدیم دادستان نوده مملتی هم ناز خدمت  
بهمه دست و دل نایند بپایه خود برگردد و متظر  
احضاری های بی دریی باشد نه شب خواب نورو  
آرام باشد باشد این صدمات بر مردم و طرز سلوک  
مامورین مردم و انبیت بدوات و شهر بی بدین نوده  
و از سوز دل همیشه فزونی فرصت میباشد فرمودید  
اگر کسی شکایتی در باب قتای پیش خانی میزدی  
ازبوت بگردن قائل بیکمه تومان که بهان بدهد  
بی تعصیر است و نوشته که بعد ادعای داشته باشد  
از صاحب خون اخذ میکند -

صیتی اینجاست که چند شکایتی اگر در  
ادارات بشود مرا فته که قطع نشود با هزار تومان  
بلاخره صاحب مقول قصر و قائل نرها می ماند  
تا کی که خدا مرگشان بدهد -

نگارنده محترم شمام از دور دستی بر آتش  
دارید در هر کر طهران چه صدمه بشما برسد که  
از دل دودمندان و با برهنگان پلانیای دور از  
مر کر خبر دار باشید شنیدن کی بود مانند دیدن  
رانه براند -  
حال ما و فکر کن که درمان این دود چیست؟  
باید اینجا برایت بگویم که اگر تو عالم باغی  
و صوات کسم باشد و با اصلا سواد عداقت باشی  
هینقدر که حرفه ساد و پوست کنده ریاست قل  
کنند و بگویند متواتی فکرت را بکار بکنند از  
و خوب و بدش از هم جدا کنی و بپیشی که طرف  
خوب گفت یا بد را دست گفته یا بدو از آخر خدا بشو  
هم فهم داده است پس برادر فست بکار جر اینجا  
را که میفرماید با بشوی فکرتش کن بین چطور  
است اگر دانستی خوب و دوست است بلز درش  
فکر کن بین چاره چیست همین حالا یا یا هم  
فکر نکن بگو به بنیم آنها را که بیشتر برایت  
گفت قبول کردی یا نه اگر دانستی آنها همه اش  
دوست است و درد بزرگ ما ظلم کردن و ظلم  
کشیدن است و این بیشترش برای اینست که کتاب

های ما شرهای ما مثل های ما فکرهای این جوری  
پا داده که ما حکومت استبدادی بفرمایم و طور  
شدن کردن بکاریم -  
وقتی همه اینجا قبول کردی آنها ملاجش چه  
میدانی ملاجش نیز از اینکه آن فکرهای بوسیده  
و لفظ از متون و بدون کسی بجای آنها فکرهای  
که از اول تا آخر برایت زدم و دست راست و دست  
است و از دوی بیخشی است هم را خوب بفرمان  
و قبول کن و به برادران پاد بده و سعی کن از  
خوب و دوستی باقی بماند و آزاده باقی مخصوصا  
کاری بکن که هیچوقت هیچ کسی ظلم نکند و  
نایبوانی زبر با ظلم هیچکس نروی اگر تو این  
کار بکنی دیگران هم کم کم خواهند کرد و دیر  
بازو داین فکر نتیجه خودش را میدهد یعنی حکومت  
ملی واقعی دولتت ما دوست می شود -

شهریور ماه

ناوسروان یدالله باینلر



این جوان تلازمین که برادر دودبار باینلر می  
باشد نیز از قربانیان سوم شهریور است - شاهان  
باینلر در آن روز قربانیایی شدند دادند ولی خوا  
باصادان که نام خود را در تاریخ جاویدان ساخته  
ما داستان گفته شدن این جوان را هم نمی دانیم  
و خواهشیم یکی از برادرش یا هر که آگاهی  
دارد برای بازماندن تاریخ بنویسد -

مع الاسف هنوز هم نیش و مصائب وارده و اکا کان  
نوشت و در صورت نوشتن هم نتیجه حاصل نخواهد  
شد با اینحال امید داریم در اثر جدال قهری بخود  
بیانند و غوی ددی و صبیبت را رها نایند و با ما  
بیچارگان همدردی کنند -

ایده است شمام به بیچارگان دور افتاده تانی

جسته در دوج این مختصر دود دل بهای نوزده -

محمد کلانتری  
پرچم: این شیوه در ایران رواج یافته که  
یکی چون گفتاری نوشت و مطلبی را یاد کرد  
دیگری باخبره گیری و نکته سنجی از جلو بیاید  
و سخن او را از اثر بیاندازد و از این منظره برای  
خوانندگان لذتی حاصل شود -

بلکه دو دینا کفرهای پرچم نوشته ویر حال

او از بیان داشت و همه این مطالب بهم مربوط

میشد - مقصود آنست که باید این هشابر بحال  
مشتری بلز نایند و طرز زندگیشان دیگر گردد  
و کسلیک از آنان بزدی و راهزنی می بردانند  
کفر خود را بیست و از ریشه برانند - اینکه یک  
خمس مردم ایران هشابر بافت آن نخواهد بود  
که چشم پوشی از گردن و آسیب ایشان کنیم و  
آنها را بحال خود گزاییم - اینکه از چندی پیش  
کسانی از هشابر ستایش می کنند و آنها را مایه  
امیدی برای ایران می شناسند اینهم از آن سر  
چشمه نیست که شمام و مدعی و حافظ را برای  
ایران «مناظر ملی» گردانیده آنها را برای اینست  
که ایران از آلودگیهای زمان متول بیرون نیاید  
و چون آشکاره نمی تواند گفت در این قالب میریزند  
ما نیندایم این را دوی دویان ایران را از کجا  
پیدا شده که هینکه گفتگویی از هرات کرد  
ولر و هوب و یوزر اصدی میشود کسانی میفرماید  
بیدادگری کار کسان دولت گذشته را بپایان آورده  
و بیکانه بافت آن را نشان میدهند - پانان باید گفت:  
« یک پدی دستلور بدی دیگر نیشود » اگر  
کار کسان دولت بیدادگر بوده اند و دور گذشته  
بشایر ستم کرده اند این باعث آن نیست که کرد  
ولر و یوزر اصدی بیاخت و تاز بردانند ما چنانکه  
آنها را بد میدانیم آنها را نیز بد می شناییم -  
ما خود همیشه گفته ایم که باید همه چیز یک  
خود - ماکه میگویم باید هشابر را از میان برد  
و آنها را بدیهه ما پیش کرد تا بکشاورزی بردانند  
این را هم میگویم که باید کار کسان دولتی مردان  
با کدامن و بکادل باشد که این کار خود را بنام  
خدمت بشود ایجادند و آثار را یک پیشی بپایان  
شما برستی شنارند و میگویند باید همه این لکهای  
در یکجا انجام گیرد و گره نتیجه ای در دست  
انفراود بود -

دوست میداریم کسانیکه پرچم و امیرانند با  
اندیشه خیرانه و یک تکی بخود داده گام بگام  
مطابق نزدیکتر گردند -

های ما شرهای ما مثل های ما فکرهای این جوری  
پا داده که ما حکومت استبدادی بفرمایم و طور  
شدن کردن بکاریم -  
وقتی همه اینجا قبول کردی آنها ملاجش چه  
میدانی ملاجش نیز از اینکه آن فکرهای بوسیده  
و لفظ از متون و بدون کسی بجای آنها فکرهای  
که از اول تا آخر برایت زدم و دست راست و دست  
است و از دوی بیخشی است هم را خوب بفرمان  
و قبول کن و به برادران پاد بده و سعی کن از  
خوب و دوستی باقی بماند و آزاده باقی مخصوصا  
کاری بکن که هیچوقت هیچ کسی ظلم نکند و  
نایبوانی زبر با ظلم هیچکس نروی اگر تو این  
کار بکنی دیگران هم کم کم خواهند کرد و دیر  
بازو داین فکر نتیجه خودش را میدهد یعنی حکومت  
ملی واقعی دولتت ما دوست می شود -



## گزارش کشور

## ملاقات با آقای نخست وزیر

بکدامت و تمیز از ظهر امروز آقای بهار سرتیپ و یاسی معاون وزارت جنگ دو کاخ آیش آقای نخست وزیر را ملاقات و گزارش وزارت مربوط را بر سر و سامان و دستورالعمل لازم راجع به کارهای آن وزارتخانه دریافت نمودند.

## عزیمت به مسکو

برابر اطلاع واصله آقای وندل وینکی نماینده مخصوص دولت آمریکا که برای سرکشی باوور کشور های غلور میانه و دیدن جبهه های این طرف و برآورده احتیاجات آنها به باوور میانه آمده و چند روزی هم در این کشور مهمان بودند مسافرت خود به هندوستان را که جزو برنامه ایشان بود تغییر داده و علاوه مسکو گردیدند.

در مورد گاه مسکو بوسیله دیاسالار استعفیای غیر کبیر آمریکا دو مسکو و سرارچیال کلارک کر سیر کبیر انگلیس و معاون کبیر امور خارجه مراحم پیشواز بمل آمده.

## تشکیل کمیسیون مطبوعات

برای رسیدگی با امور و جریان کار های مطبوعاتی و تنظیم مواد مربوط بان و تشخیص جرائم احتمالی ارتکابی بوسیله روزنامه ها و مجلات کمیسیونی در فرمانداری نظامی تهران تشکیل و در این خصوص مذاکرات لازم ادامه دارد.

آقای لرزانی رئیس اداره سیاسی وزارت کشور

آقای دکتر امین فریادیده وزارت دادگستری

آقای شریقی کلید اداره کل انتشارات و تبلیغات

آقای غنی نماینده وزارت فرهنگ از طرف

وزارتخانه های مربوطه در کمیسیون حضور دارند.

تشکیل کمیسیون جلوگیری از احتکار

پیش از ظهر امروز کمیسیون منع احتکار در

فرمانداری نظامی تهران با حضور نمایندگان

وزارتخانه دارائی و بازرگانی ویت و هنر و کشور

و معاون شهر داری تهران و نماینده اندک کل

خوار بلر تشکیل و دو باب امور مربوطه به خوار

بلر مخصوص و جلوگیری از فعالیت مستحقین تصدیت

مقتضی اتخاذ ننوده

## خروج از زندان

برابر اطلاع واصله پس از اوقات رای دادگاه

دیوان کفر مبنی بر بیگناهی شش نفر از متهمین،

بر حسب ماده اشتراکی دادگاه بزرگان موقت شش

غر متهم شرکت در قتل مرحوم مفوس از زندان

منتقلی شده و کسانی که پاسبان بوده یا ست

پابوری شهر یاری را داشته لیس او بفرمود خود را

بوشبیه و مطبوعا هم به خدمت مشغول شده اند.

## قانون دیوان عالی محاسبات

نظریاتیک رسیدگی به جمع و خرج و حساب

های کلیه وزارتخانه ها و ادارات دولتی تحت نظر

دیوان محاسبات بوده و این دیوان بدون دخالت

هیچگونه مقام دیگری مطابق قوانین اساسی باید

بمحاسبات رسیدگی نماید.

در چون طرز حل دیوان عالی محاسبات دولتی

ستوات اخیر مطابق با اصول قوانین اساسی بوده

بدینجهت جناب آقای کاشانی وزیر دارائی برای

تدوین قانون جدید وافر قانون سابق با آقای کمال

هدایت رئیس دیوان عالی محاسبات مذاکره نموده

و قرار بر این گردیده که کمیسیونی مرکب از آقایان

حقوبس وندانی و طوی ویشیر و خرسند مستشاران

آن دیوان بریاست آقای کمال هدایت تشکیل و

قانون جدیدی که مشتمل مواد لازمه و مطابق قانون

اساسی باشد تنظیم گردد بطوریکه دیوان محاسبات

مطابق و مشتمل بوده مستقیما تحت نظارت مجلس

شورای ملی قرار گیرد

شور اول لایحه تطبیق بمل آمده و برای شور

قوم به کمیسیون رفته و بزودی برای تصویب تقدیم

مجلس شورای ملی خواهد شد

دستگیری سارق

جنس پسر عزز دود پیشین دار در پیش آباد

دوین ارتکاب بزدی بوسیله پاسبان شماره ۴۴۴

سوار و سید علی اصغر پس سید علی اهل دهلی

موقع سرقت دو توپ بارجه از دکان حامی رئیس

واقع در بازار چولتن و سید پاسبان شماره ۹۳۹

دستگیر و پس از دستگیری بوسیله کلانتریهای

مربوطه به اداره آگاهی تسلیم شدند.

## افتادن در حوض

روا طبل ۵ ساله پروانه ساکن چهار راه

مهرالمولد و سترنا طبل سه ساله علی ساکن کوی

مشاور در حوض آب متراکبان خفه شده چنانچه ما

پس از انجام تشریفات قانونی و صدور پروانه کفن

بوسیله کلانتریهای ۱۷۰۹ دفن شدند.

منازعه

کل آقا پسر میرزا آقا در حدود دهش ۹ یا بهمد

صادق نام سارنه و او را در حوض بکشد و مبروح

بیهوشی از ازم ۱۰ دور دومان تیرین میشود مرکب

بهادگد موقت نظامی تسلیم گردیده.

چاقو کشی

مجدد باقر و جواد پسر کاظم با رحیم پسر

غلام منازعه و با چاقو سر او را میبرود میبکشد

مجرور بیهوشی بوسیله کلانتری ۳ ازم سارنه

درمان تیرین میشود مرکب بهادگد تسلیم میشود

## برای توجه اداره ژاندارم

آقای مدیر محترم روزنامه پرچم سیاحتگران

امالی و زمبابای حدود شیروان و کلان و بجنورد

خراسان که از قضایای شهر پرور ماه با بنظر

از حریت گرفتار بدینتی و بیکاری و بیچارگی

و ناغت و ناز طالبین شدم با این که هر روز خود

را بروز دیگر امیدوار دانست که شاید از طرف

دولت الا جبران خسارت که بشود ثابت فراهم

گردد و داد مظلوم را از ظلم بگیرند متأسفانه

هیچگونه تدبیری که شده و اشخاصیکه سر دست

غلزت گران بودند و مال مردم و دولت را غارت

کرده بدون رسیدگی به داد مظلومین آنها را تشویق

شده بجای خود و پشی از حدستان آنها را

بستند اندام محلی از طرف بجنورد داخل خدمت

نموده و چون برای غارتگری تنگ کمری داشته

از طرف زندان او را بپاس زندان محلی اسلحه هم بآنها

داده و بخصوص تکمیل مینمایند و کسی از مأمورین

سای که سوابق ایمن اخلاقی و بداند در محل

نگذاشته اند که افلا صری اشخاص صالح و غیر

صالح را بر سر آسایش نمایند و ادارات و ادارات بجنورد

ایکس سالیه اشخاص را متوال نمایند آنها داخل

خدمت نمودند که دیگر هیچ وجهی بپایز قدرت

عس کشیدن نداشته باشد و صورتیکه این اشخاص

علاوه بر این که قتل از هوش خرافه که شیروان و

بجنورد و غله و غله های مأمورین را غارت نموده و

باز و حدست بودند از اندام دولت و لشرا مصلح اسلحه کرده

و سوابق زیاد در تمام ادارات مخصوصا فرمانداری

بجنورد و خود زندان و مستند در صرف نظر از تمام

غارتگری های آنها بوده و او را رئیس و سرپرست

ما بیچارگان نموده اند یکبار دیگر و فلان و راست

که اشخاصیکه مدت ها از طرف دولت زندانی

یا تحت تعقیب بوده و جواب دولت را نداده اند و

دوین قضایای آخر و گرفتاری دولت از هیچگونه

تهدی و ظلم نصیب نبرفت و مأمورین دولت و بی

نکرده حوض میبارت و اخلاق حق مردم از آنها

صرف نظر و هندستان او را خدمت دولت آهم

در محلی که دافوسی نیست در لب مرز عین رحمت

را بیکدام چه اصحاب و قانونی است محض رضای

خدا آنها بدارت شکایت میکنیم دادوسی نیست

بوسیله آن اداره استعدای مجازات داریم کبیر

دولت و اولیای امور و سامانه هر این ظالمان را

از سر و دست کوبند سالیه و لغزت و اینکه اسم مردم خود

را در شکایت کرد تا سالیه از مردم بپرسیم که

برایک بندگان رسیدگی نشود اسم سالیه پنهان

بوسیله جهت مأمورین که آنها را تشویق نموده

و رابطه دارند با آنها گفت چنانچه در خطر باشد فقط

برای روشن شدن قضیه سوابق خرافه بر برای

سر دست اشرا و معده فلهری و باطلی که امروز

زندانهای محلی شده و در خود فرمانداری بجنورد و

زندانهای سابق بجنورد سالیه نازد معلوم است که

اشخاص مستند و چند مال دولت را قریب کردند

و السامه چنانچه بکثر مامور یا وجدانی تیرین خود

ستی است که ده هزار تومان اموال دولت و آنچه

باشخاص فروخته و معلوم است کشف کند و نا

زمانی که این اشخاص در این محل بخت آبا کسی

قدرت شکایت خواهد داشت سالیه که رئیس زاندار

محلی خود را بر مردم محلی میکنند آبا این رسم

و برای برادران رختابه دلسوزی فرمودید ما هم

بیز برادر دینی و هم وطن شما مستند انتظار محبت

را دارد که بر سر دولت برسانه. از طرف اهالی

غلزت شده بدست اشرا و فرج الله که خانه تمام

مأمورین را هم غارت کرد.

علی اصغر عطار قریه فلکی

دستگیری و لغزدها

۲۴ بار گدا و زن و لنگرد بوسیله کلانتریها

جلب و بلا داشت شدند

جشن باشگاه المپ

بطوریکه از اداره تربیت بدنی وزارت فرهنگ

اطلاع میدهند جشن ورزش باشگاه المپ در روز

سوم میبرند در ورزشگاه آمپلیه انجام میدهند

یافت با نظایر این مراتب با اطلاع صوم میسراند که از

آمدن بانه به نروژ سوم میبرند خودداری فرمانده

عملیات دام پروری

بطوریکه از وزارت کشاورزی اطلاع میدهند

در مرداد ماه گذشته در تمام کشور ۲۵۱۶۶۴ دام

میتلا به بسیاری سید زخم و ۲۵۴۴۷ میتلا آب

و ۴۳۶۵ دام میتلا به طاهره صالحه شده و ۴۶۸۶

دام بوسیله اکابرین تروین شده اند و همین

ماه در تمام کشور (۱۳۵۸۷) گوسفند و ۱۱۰۱۲۳

بز و ۹۹۹۷ گاو شل از کشتار میانه شده است.

ریاست اداره فنی

آقای محمد خجی الاسلامی رئیس سابق اداره

کشاورزی شهرستان کرمان بر مرکز متزل و ست

ریاست اداره فنی اداره کل بازرسی وزارت کشاورزی

منصوب شدند.

اداره امور فرمانداری

بطوریکه از قم اطلاع میدهند - آقای

فرماندها بوسیله اجازه وزارت کشور در روز است

استراحت کرده اند و در قیاب ایشان آقای رئیس

شهرانی امور فرمانداری را اداره میکنند.

## تقدیم لایحه

این لایحه را در جلسه دیروز آقای وزیر

دارائی تقدیم مجلس نمودند

مجلس شورای ملی

در تخیب پیشنهاد شماره ۱۳۱۴۴ مورخ ۲۷-

۱۳۲۱۹ راجع برود متهم بودجه کشور طرح

شش ماده دیگر تلوا پیشنهاد و تصویب آن نشی

می شود.

چون مبلغ ۲۴۸۰۰۰۰ ریال اضافه اعتباری

که ضمن ماده ۴۱ طرح مواد متهم قانون بودجه

برای وزارت فرهنگ پیشنهاد شده بود بدینجه

انتهاست دیگری دو لایحه ضمیمه منظور میباشد

بهیسی است تصویب ماده ( ۴۱ ) جداگانه لازم

نمیرد.

توضیحات راجع برود ماده کور بوضع خود تقدیم

خواهد شد.

ماده - وزارت دارائی مجاز است مبلغ بیست

و هشت میلیون و سیصد و هشتاد هزار و پانصد و پنجاه

ریال اعتبارات زیر را از محل صرفه جوئیهای

بودجه کشور بطریقی که خود وزارت دارائی

تخصیص خواهد داد از محل اضافه در آمد نمای

نماید.

۹ - اضافه اعتبار وزارت کشاورزی

الف - هزینه اتصال آب کوه رنگ برانده رود

۲۰۰۰۰۰ ریال

ب - هزینه ساختمانهای آبیاری

۴ - اضافه اعتبار وزارت فرهنگ

الف - کس اعتبار بودجه ۲۴۸۰۰۰۰ ریال

ب - کس اضافه آموزشگاههای عالی

۲۰۰۰۰۰ ریال

ج - اضافه حقوق قانونی کار متدین فرهنگ

شهر دارین ۲۰۰۰۰۰ ریال

د - اعتبار کلاسهای اضافی ۲۰۰۰۰۰ ریال

ه - توسعه در هنر فلز ۱۰۰۰۰۰۰ ریال

و - حق الله رئیس استعدای هنرستان های هنر

های زیبا ۱۰۰۰۰۰ ریال

۴ - اضافه اعتبار وزارت بهداشتی

که تشخیص وزارت بهداشتی برای حفظ ضروری

خاصه فلز و بنابر و کرمان بصرف خواهد رسید

۲۰۰۰۰۰ ریال

۵ - اضافه اعتبار حقوق انتظار خدمت ۱۰۰۰۰۰ ریال

۶ - اضافه اعتبار حقوق شهر ملی کل برای

پایه پاسبان اجرائی ۱۰۰۰۰۰ ریال

۷ - اضافه اعتبار مجلس شورای ملی برای کمک

یکبار گران جایگاه ۱۳۰۰۰۰ ریال

ماده - وزارت کشور مطر است بلزشتنگان

مشمول ماده ۲۴ قانون عسکیت کشور مورخ ۱۶

آبان ۱۳۱۶ را مطابق آخرین رتبه ای که در

حین باز نشستی داشته اند به خدمت میبرد.

ممت بلزشتنگی آنها از تاریخ اسفند ۱۳۱۶

تا این تاریخ جزو خدمت آنها محسوب خواهد شد

ماده - علاوه بر مبلغ ۱۳۴۶۷ ریال وظیفه

بلا شستگی ورت مرحوم مهیار رحیم خلخالی مبلغ

۶۵۳۳ ریال و علاوه بر مبلغ ۷۵۶۰ ریال

وظیفه بلزشتنگی ورت مرحوم حسن قللی مبلغ

۷۴۷۹۵ ریال بشرح ماده سوم قانون وظایف

مورخ ۱۹ ریح الاول ۱۳۱۶ در بلز ورت برقرار

و پرداخت آن در درآمد عمومی کشور بحسب اعتبار

موضوع ماده ۵۰ بودجه کشور تصویب میشود اضافه

مد کور نسبت ببلزشتنگان ذکر نمودام که لازمت و

بکسالت نیاز نکرده و نسبت ببلزشتنگان اذیت نمودام

که شوهر اختیار نکرده اند قابل پرداخت است.

ماده - حقوق و زبیران مشاور و رئیس کل

خوار بلز کشور و مأمورین جدید آن و سلازمان منع

احتکار و همچنین مصارف اداره حفاظت اموال اتباع

خارجی و دادگستریهای املاک و گذاری ملزم که

سلازمان و اعتبارات مربوط به آنها بوسیله قانون

دیگری تصویب نشده است از اعتبار دولت قابل

پرداخت میباشد.

ماده - درجوع کار های اضافی بیش از ۲۵

صد هزار اسفند کاری که در قرار دادهای ساختمانی

بیش بینی میشود منجر و وزارت دارائی مجاز است

قط بپای اضافه کار مالی که تا این تاریخ علاوه بر

میزان مقر در قراردادها مبالغه کارها درجوع شده







